

تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی

مسعود اخوان کاظمی*

گلناز نریمانی**

سید شمس‌الدین صادقی***

چکیده

در این مقاله تلاش می‌شود ضمن ارائه تحلیلی از روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، به این سؤال پاسخ داده شود که آیا با توجه به اختلافات عمیق میان آنها و همچنین تضاد ایدئولوژیک دو کشور با هم، امکان تعمیق و گسترش روابط بین آنها وجود دارد؟ مقاله حاضر با بهره‌گیری از تئوری توازن تهدید استغان والت به عنوان چارچوب نظری، فرضیه اتحاد استراتژیکی دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را به‌ویژه در تقابل با ایران به آزمون می‌گذارد و نتیجه می‌گیرد که با توجه به گسترش قدرت و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا، دو کشور مذکور ضمن احساس تهدید مشترک از این واقعیت و با اتخاذ یک سیاست عملگرایانه، به نزدیکی هرچه بیشتر به یکدیگر و تعمیق روابط دوجانبه اقدام نموده‌اند و در آینده نیز این روابط خود را بیش از پیش تقویت خواهند کرد.

واژگان کلیدی

عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران، توازن تهدید.

*. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه. mak392@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران. golnaznarimani@gmail.com

*** استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی. sh.sadeghi1971@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۵

طرح مسئله

در خصوص روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است که اغلب آنها نیز از ضعف تحلیلی برخوردارند و صرفاً به وقایع‌نگاری در این خصوص پرداخته‌اند.

پرویز امامزاده فرد در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در قبال یکدیگر در دهه‌های اخیر» به بررسی وجوه مشترک همکاری رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در سیاست‌های منطقه‌ای آنها پرداخته است.^۱

برنارد هیکل و دنیل کرتزر در مقاله «دشمنان دوست‌نمای غرب آسیا» پیامدهای توافق هسته‌ای ژنو برای آمریکا در منطقه غرب آسیا را مورد توجه قرار داده و بر روی قویترین متحدان آمریکا تمرکز کرده‌اند. به عقیده آنها، رژیم صهیونیستی تلاش کرده تا با تحت فشار قرار دادن لابی خود در کنگره، مخالفت خود را عیان کند و عربستان سعودی نیز خواستار اقدامات بیشتر آمریکا در حفظ امنیت منطقه شده است. به عقیده آنها، تلاقی ظاهری منافع رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در خصوص تهدید ایران، عمیق و بلندمدت نیست و دغدغه‌های آنها در خصوص ایران بسیار با هم مختلف است و نزدیک شدن به یکدیگر و برقراری روابط صمیمانه را دنبال نمی‌کنند.^۲

جاشوا تایتلبوم در مقاله‌ای با عنوان «روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی: توازن مشروعیت و امنیت» بر این عقیده است که نباید در خصوص تلاقی منافع عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در خصوص ایران اغراق کرد. به نظر او هزینه‌های سیاسی بهبود روابط با رژیم صهیونیستی برای عربستان سعودی، بسیار بالاتر از بهبود روابط با ایران است.^۳

یودی دکل و یوئل گوزانسکی در مقاله‌ای با عنوان «رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی: آیا دشمن دشمن من، دوست من است؟» بر این نظرند که به‌رغم همگرایی منافع بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، عادی‌سازی کامل روابط تا زمان دستیابی به یک توافق سیاسی در خصوص مسئله فلسطین قابل تصور نیست.^۴

با وجود منابع ذکر شده، پژوهش حاضر با استفاده از چارچوب نظری موازنه تهدید، و از منظری تحلیلی تلاش می‌کند تا سطوح و اهداف روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی را بویژه در پرتو ماهیت انقلاب اسلامی و تحولات جدید منطقه غرب آسیا مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد.

۱. امامزاده فرد، «سیاست‌های رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در قبال یکدیگر در دهه‌های اخیر»، فصلنامه

تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۶، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۸۸ - ۱۶۹.

2. Haykel, Bernard, Kurtzer, Daniel, Middle East Frenemies, Project Syndicate, DEC 13, 2013.

3. Teitelbaum, Joshua, Saudi-Israeli Relations: Balancing Legitimacy and Security, BESA Center Perspectives Paper No. 228, December 17, 2013.

4. Udi Dekel and Yoel Guzansky, Israel and Saudi Arabia: Is the Enemy of My Enemy My Friend?, INSS Insight, No. 500, December 22, 2013.

چارچوب نظری

استفان والت، نظریه‌پرداز تئوری واقع‌گرایی تدافعی، با نقد اصل موازنه قوا و با مطرح نمودن نظریه موازنه تهدید در عمل توانسته است مباحث واقع‌گرایی را در حوزه امنیتی غنی‌تر نماید. نقطه محوری مباحث وی در بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد موازنه، در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی، برخلاف آنچه که فکر می‌شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند. در مقابل، آنچه که باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌گردد، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدیدی احساس شد کشورها یا سعی می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا اینکه به کشور تهدیدکننده ملحق می‌شوند. (ترابی، ۱۳۷۴: ۱)

تأکید والت بر اهمیت موازنه تهدید بجای موازنه قدرت است. تهدید عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزگرانه احتمالی آن. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشند. هر قدر دولت‌ها قوی‌تر باشند و یا احتمال جلب حمایت دیگر متحدان خود را بیشتر بدانند و هر قدر که دولت مقابل تجاوزکارتر تلقی شود، احتمال اینکه سیاست موازنه را در پیش بگیرند، بیشتر می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۵ - ۱۳۴)

استفان والت یک سلسله مفروض‌هایی برای نظریه توازن تهدید قائل است که به اختصار عبارتند از اینکه:

- کشوری که با تهدید مواجه است، با دیگر کشورها علیه آن تهدید متحد می‌شود.
- هرچه میزان تهدید بیشتر باشد، انگیزه شکل‌گیری اتحاد علیه آن بیشتر می‌گردد.
- هرچه که تهدید نزدیک‌تر باشد، احتمال موازنه در مقابل آن بیشتر است.
- هرچقدر توان تهاجمی کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، به همان میزان احتمال موازنه در مقابل آن بیشتر است.
- هرچقدر انگیزه تهاجمی کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، به همان میزان احتمال موازنه افزایش می‌یابد.

در دیدگاه والت، کشورها در عرصه روابط بین‌الملل به دنبال موازنه‌سازی علیه سایر کشورها نیستند، بلکه آنها در پی ایجاد توازن در مقابل کشورهای هستند که افزایش قدرت و نفوذ آنها تهدید محسوب می‌شود. براساس این باور والت می‌توان گفت دو کشور رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی که از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و گسترش قدرت و نفوذ ایران در منطقه احساس تهدید می‌کنند، هم اکنون در پی ایجاد موازنه منطقه‌ای علیه ایران برآمده‌اند، که این امر باعث تلاقی منافع این دو کشور در یک هدف مشترک شده و گسترش روابط آنها را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، احساس تهدیدی که این دو کشور از جانب ایران دارند، آنها را بر آن داشته است، تا با گسترش اتحاد فیما بین و نیز بهره‌گیری از سایر استراتژی‌ها و ابزارهای دیگر، به تهدید ایران توازن دهند. علت این احساس تهدید آنها افزایش قدرت و نفوذ ایران در غرب

آسیا و در کشورهایی مثل عراق، سوریه، یمن و لبنان است و همچنین دستیابی ایران به دانش هسته‌ای و پیشرفت‌های نظامی و موشکی نیز در این زمینه مزید بر علت بوده است.

در ارتباط با تطبیق نظریه والت بر موضوع مورد مطالعه این پژوهش، باید اشاره نمود که پتانسیل‌های تهدیدزای ایران از منظر عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی عبارتند از:

قدرت: به هر میزان که قدرت کشور تهدیدکننده مفروض بیشتر باشد، میزان تهدید دریافت شده نیز بیشتر است. والت با تأکید بر متغیر قدرت توضیح می‌دهد که دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید محسوب می‌شوند؛ زیرا نمی‌توان تضمینی در برابر نحوه استفاده آنها از قدرت‌شان داشت. به موازات افزایش قدرت آنها دیگران در مورد احتمال سوء استفاده آنها از قدرت‌شان نگران خواهند بود. بر این اساس افزایش قدرت یک دولت به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای منجر خواهد شد. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳) از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران دارای قلمرو وسیع، جمعیت زیاد و جوان، موقعیت استراتژیکی بی‌نظیر، درآمدهای نفتی، دانش هسته‌ای و توان دفاعی و موشکی پیشرفته است، در جایگاه یک قدرت منطقه‌ای برتر قرار گرفته است و این امر باعث احساس تهدید و ترس از جانب سایر دولت‌های منطقه بالاخص رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی شده و به همین لحاظ آنها درصدد مقابله و توازن‌سازی با آن برآمده‌اند.

توانمندی‌های نظامی: اگر دولتی با منابع مادی وسیع به توانمندی‌های نظامی و پتانسیل‌های تهاجمی دست یابد، سایر دولت‌ها احتمالاً به موازنه روی خواهند آورد. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵ - ۳۴) به عبات دیگر در رابطه با این مؤلفه باید گفت که بین قدرت تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد، یعنی هر اندازه میزان توانایی نظامی یک کشور بیشتر باشد، میزان نگرانی و تهدید دیگر دولت‌ها نسبت به آن به همان میزان افزایش می‌یابد. (jervis,2008: 110-117) از آنجاکه ایران در طول یک دهه گذشته در زمینه توانمندی‌های نظامی و موشکی بالستیک و دانش و فناوری هسته‌ای به میزان چشمگیری پیشرفت کرده است، کشورهایی مثل رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از ترس قدرت فزاینده ایران و دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، اقدام به موازنه‌سازی درونی و بیرونی در تقابل با ایران کرده‌اند. به عبارت دیگر این توانمندی‌ها احساس تهدید و ترس را در هر دو کشور به یک میزان افزایش داده است. از دید آنها، توانایی‌های ایران در زمینه نظامی تهدیدی آشکار برای بقا و موجودیت آنها به‌شمار می‌رود.

مجاورت جغرافیایی: مؤلفه بعدی، مجاورت جغرافیایی است. والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌بیند. از دیدگاه او، دولت‌هایی که دارای مجاورت جغرافیایی هستند، قادر به ایجاد تهدید بزرگ‌تری برای همدیگر هستند، به عبارتی کشورها تهدید را هر اندازه که نزدیک‌تر باشد، به شکل بیشتر و بهتری درک می‌کنند. لذا مجاورت جغرافیایی و منطقه‌ای ایران با دو کشور عربستان سعودی و

رژیم صهیونیستی، احساس تهدید این دو کشور را که بخصوص در تیررس مستقیم دامنه برد موشکی ایران قرار دارند، تشدید کرده است.

نیات تجاوزگرانه احتمالی

از نگاه والت ارتباط مستقیمی میان نیات تهاجمی کشورها نسبت به یکدیگر و میزان احساس تهدید آنها از هم وجود دارد. به عبارتی هرچه از نظر دیگران نیات تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که آنها به موازنه روی آورند. منطبق حاکم بر این رفتار نیز روشن است؛ زیرا متقاعد ساختن دولت توسعه طلب مهاجم، دشوار و پرهزینه است و دیگران را به ائتلاف جهت متوقف ساختن آن ناگزیر می‌کند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵) به عبارت دیگر به هر میزان که یک کشور دارای اختلافات عمیق تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیکی با کشوری دیگر بوده و نیات و مقاصد تجاوزکارانه فیما بین آن دو نسبت به هم بالا باشد، به همان میزان هم سوء ظن و احساس تهدید نسبت به اقدامات همدیگر در میان آنها افزایش می‌یابد. اختلافات عمیق ایران با دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی سبب شده است تا این دو کشور، هرگونه اقدامات تهاجمی و یا حتی تدافعی جمهوری اسلامی ایران را با دیده تهدید و شک و تردید نگریند و در مقوله اقدامات و نیات تجاوزگرانه قرار دهند و در برابر این تهدیدات تصویری به ایجاد توازن سازی منطقه‌ای و نیز بهره‌گیری از سایر سازوکارهای محدود کننده قدرت و نفوذ ایران دست بزنند که یکی از این سازوکارها، تحکیم و تعمیق بیشتر روابط فیما بین آنهاست.

نگاهی به آمار و ارقام همکاری‌های ایران و عربستان سعودی

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به جایگاه منطقه‌ای و اختلافات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی همکاری‌های این دو کشور پر از فراز و نشیب و همراه با دوستی‌ها و تخاصم‌های دیپلماتیک بوده است. در سال‌های اخیر افزایش تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران، موجب سردتر شدن روابط دو کشور نسبت به گذشته شده و روابط دیپلماتیک و ارتباطات میان دو کشور ضعیف‌تر گردیده است، تا جایی که بعد از وقوع فاجعه منا در مهرماه ۱۳۹۴، اعدام شیخ نمر در دی ماه ۱۳۹۴ و به دنبال آن حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در ایران، روابط دو کشور از سوی عربستان به‌طور کامل قطع شد و یک روز پس از اعلام قطع رابطه این کشور با ایران، عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی، در این باره توضیح داد که این قطع رابطه شامل پایان یافتن تمامی مناسبات تجاری و همچنین لغو پروازها بین دو کشور می‌شود، اما مسئله سفر ایرانیان به مراسم حج را دربر نمی‌گیرد. در طول دوران بعد از انقلاب اسلامی، ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور بزرگ منطقه دارای روابط و همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی بوده‌اند، اما این روابط از آنجاکه تحت تأثیر فراز و

نشیب‌های روابط سیاسی بوده است، هیچ‌گاه تعمیق و گسترش نیافته است. از آن زمان تاکنون موافقت‌نامه‌های محدودی میان دو کشور امضا شده است که مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های امضا شده بین دو کشور عبارت‌اند از:

موافقت‌نامه عمومی همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، فنی، علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان در سال ۱۳۷۷؛

موافقت‌نامه حمل و نقل هوایی در سال ۱۳۷۸؛

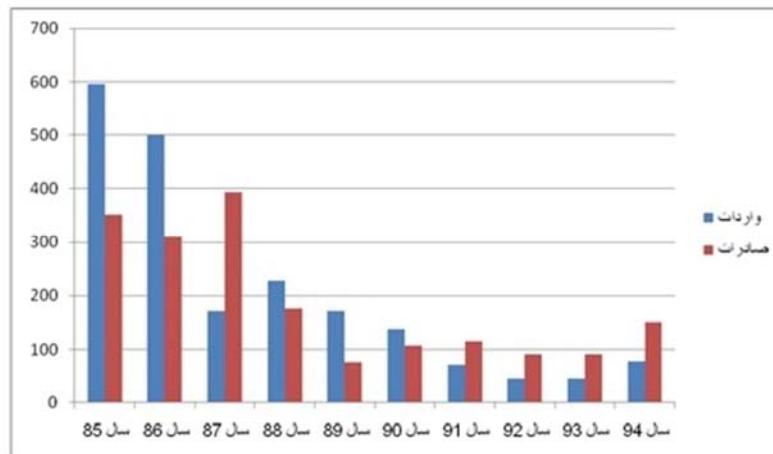
موافقت‌نامه امنیتی در سال ۱۳۸۰؛

موافقت‌نامه استرداد مجرمین در سال ۱۳۸۲؛

موافقت‌نامه کشتی‌رانی تجاری - دریای در سال ۱۳۸۴.

براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران میزان تبادلات تجاری دو کشور ایران و عربستان سعودی در یک دهه گذشته سالانه کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار بوده است و روند نزولی را طی کرده است، به طوری که ارزش واردات ایران از عربستان که در سال ۱۳۸۵ به مرز ۶۰۰ میلیون دلار نزدیک شده بود، اکنون تا کمی بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال پایین آمده است.

جدول (۱): میزان واردات و صادرات ایران به عربستان سعودی در یک دهه گذشته
(ارقام به میلیون دلار می‌باشد)



ایران و عربستان سعودی در حالی تجارت با حجم ۲۰۳ میلیون دلاری را در سال ۹۳ صورت داده‌اند که پیش از این تجارت این دو کشور در سطح بالاتری قرار داشت. در سال ۸۶ حجم تجارت ایران و عربستان سعودی معادل ۸۱۰ میلیون دلار بوده که ۵۰۰ میلیون دلار آن به واردات ایران از عربستان سعودی و ۳۱۰ میلیون دلار دیگر نیز به صادرات ایران به این کشور اختصاص داشته است. در سال ۸۷ نیز حجم تجاری این

دو کشور به ۵۶۶ میلیون دلار رسید؛ به طوری که ایران معادل ۳۹۴ میلیون دلار صادرات به این کشور انجام داده و ۱۷۲ میلیون دلار نیز کالا از این کشور وارد کرده است.

حجم تجاری این دو کشور در سال ۸۸ با افت ۲۸ درصدی به ۴۰۵ میلیون دلار رسید. از این رقم حجم تجاری ۱۷۷ میلیون دلار صادرات ایران به عربستان سعودی و ۲۲۸ میلیون دلار نیز واردات ایران از این کشور بوده است. روند کاهشی حجم تجاری ایران و عربستان سعودی به سال ۸۹ نیز سرایت یافت، به طوری که در این سال حجم تجاری این دو کشور با افت ۳۹ درصدی نسبت به سال پیش از آن روبه‌رو شد. از این رقم حجم تجاری، ۷۵ میلیون دلار مربوط به صادرات ایران و ۱۷۱ میلیون دلار نیز واردات ایران از این کشور بوده است. در سال ۹۰ با اینکه حجم صادرات ایران به عربستان سعودی نسبت به سال ۸۹ افزایش و واردات این کشور کاهش یافت؛ نهایتاً حجم تجاری دو کشور در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ هیچ تغییری نکرد و معادل ۲۴۶ میلیون دلار رقم خورد. در سال ۹۰ صادرات ایران از ۷۵ میلیون دلار سال ۸۹ به ۱۰۸ میلیون دلار و واردات ایران از ۱۷۱ میلیون دلار به ۱۳۸ میلیون دلار رسید. (روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۶۷۲، ۱۳۹۴) براساس آمار گمرک ایران؛ میزان واردات ایران از عربستان در سال ۹۱ معادل ۷۰۰۴ میلیون دلار و در مقابل صادرات ایران به این کشور معادل ۱۱۵۰۱ میلیون دلار است. به این ترتیب تراز تجاری ایران با عربستان در سال ۹۱ حدود ۴۴۰۷ میلیون دلار مثبت بوده است؛ اما در سال ۹۲ سطح مبادلات کالایی میان دو کشور کاهش می‌یابد و میزان واردات ایران از عربستان به حدود ۴۴۰۲ میلیون دلار می‌رسد. به همین میزان صادرات به عربستان هم کاهش یافته و به حدود ۹۱۰۴ میلیون دلار رسید. با این حال میزان تراز تجاری ایران در سال ۹۲ مقداری بیش از سال ۹۱ به نفع ایران مثبت بود. بر این اساس تراز تجاری ایران در این سال حدود ۴۷۰۲ میلیون دلار به نفع ایران مثبت شد؛ اما برآوردهای آماری گمرک نشان می‌دهد که میزان صادرات ایران به عربستان در سال ۹۳، ۱۵۹ میلیون دلار و میزان واردات ایران از عربستان سعودی کمی بیش از ۴۶ میلیون دلار بوده است.^۱

دلایل استراتژیکی نزدیکی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی

مجموعه عوامل مختلفی باعث شکل‌گیری نوعی ائتلاف استراتژیک بین ریاض و تل‌آویو شده است. هر دو کشور در سوریه، یمن و در مخالفت با نفوذ و قدرت ایران دارای منافع همسویی هستند. هر دو کشور در راستای مقابله با نفوذ و قدرت ایران در منطقه، سعی در ایجاد جبهه جدیدی با محوریت ایران‌هراسی داشته‌اند و در راستای این هدف، استراتژی‌های خود را در مناطق و کشورهایی مثل سوریه، عراق، یمن و در بحث بحران هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر همسو کرده‌اند. در واقع این ائتلاف در قالب موازنه تهدید برای مقابله

۱. آمار برگرفته از سایت سازمان گمرک ایران می‌باشد.

با تهدید مشترکی به نام نیروهای مقاومت با محوریت ایران شکل گرفته است. عربستان سعودی اطمینان دارد که ایران، موازنه قدرت را در منطقه تغییر داده است. سعودی‌ها، ایران را عامل اختلاف در جهان اسلام معرفی کرده و معتقدند که ایران به لحاظ نژادی و تاریخی درصدد تحقیر جامعه عرب است. آنها اعتقاد دارند که وقتی ایران در سوریه، لبنان و عراق می‌تواند ایفای نقش کند، لذا می‌تواند بر معادلات منطقه‌ای و قدرت و نفوذ عربستان سعودی نیز تأثیر بگذارد و از این‌رو یک تهدید بنیادین برای عربستان سعودی محسوب می‌شود. (Dekel, Guzansky, 2013: 3)

الف) دشمنان مشترک

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه برخی از کشورها و گروه‌های منطقه غرب آسیا به‌عنوان دشمن مشترک، وارد نوعی اتحاد طبیعی و نانوشته شده‌اند که مقابله با آنها باعث نزدیکی هرچه بیشتر این دو کشور با یکدیگر و تقویت و تعمیق روابط امنیتی و سیاسی بین آنها شده است. وجود این دشمنان مشترک، پتانسیل همکاری‌های استراتژیکی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را افزایش داده و ضریب همسویی سیاست‌های امنیتی آنها را با یکدیگر تقویت نموده است. مهم‌ترین کشورها و گروه‌های مزبور عبارت‌اند از:

۱. ایران

در دهه‌های اخیر و بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، ایران را خطرناک‌ترین دشمن خود تلقی نموده‌اند. در محافل داخلی دو کشور اعتقاد بر این است که هماهنگی امنیتی و تقویت روابط با همدیگر و با دیگر کشورها، یک ضرورت سیاسی مهم برای مقابله با ایران است. علاوه بر این در شرایط کنونی باید این حقیقت را نیز در نظر گرفت که اغلب کشورهای عربی سنی مذهب دارای تضادهای عمیق ایدئولوژیکی با ایران هستند و از گسترش نفوذ سیاسی و عقیدتی این کشور در منطقه می‌ترسند. تهدیدات ناشی از قدرت و نفوذ ایران باعث شده تا تعدادی از کشورهای عربی منطقه، تماس‌ها و روابط محرمانه‌ای با رژیم صهیونیستی برقرار کنند. اشتراک منافع عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در این خصوص، تحلیل‌گران را بر آن داشته است تا از هماهنگی راهبردهای دو کشور در مقابله با ایران، توصیف‌ها و تحلیل‌های متعددی ارائه نمایند. در پی امضای توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در جولای ۲۰۱۵، رژیم صهیونیستی شدیداً مواضع خود را علیه این توافق اظهار نمود و با کشورهایایی مثل عربستان سعودی و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس در یک جبهه علیه ایران قرار گرفت. به عبارت دیگر، عاملی که باعث قرارگیری این کشورها در یک جبهه و شکل‌گیری نوعی اتحاد طبیعی میان آنها شد، هراس آنها از افزایش نفوذ و قدرت ایران در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی است که توازن قدرت را به نفع ایران به‌عنوان یک رقیب منطقه‌ای، تغییر خواهد داد.

روابط ایران و عربستان سعودی در طول دوران بعد از انقلاب، در میانه طیفی از بی‌اعتمادی و خصومت در نوسان بوده است. این دو کشور به‌عنوان دو تولیدکننده عمده نفت و مدافعان اسلام شیعی و سنی و مدعیان رهبری جهان اسلام همواره در رقابت و تقابل با یکدیگر قرار داشته‌اند.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث شکل‌گیری داده‌های ژئوپلیتیکی جدیدی در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا گردید. این واقعه زمینه‌ساز ایجاد تعارض و اختلاف در روابط بین ایران با عربستان سعودی و برخی کشورهای منطقه شد. از این تاریخ به بعد، الگوی مناقشه و بحران دائمی در روابط این دو کشور - به جز مقاطعی محدود و ناپایدار - از دو قرائت و فهم متمایز نسبت به مفهوم شریعت، مذهب و اسلام سیاسی ملهم گردید. پس از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در برابر ایدئولوژی سنی و وهابی عربستان سعودی قرار گرفت و هر دوی آنها مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال بردند. (سریع‌القلم، ۱۳۷۴: ۳۰۶)

حمله رژیم بعث عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ م و در پی آن حمایت‌های گسترده مالی و نظامی شورای تازه تأسیس همکاری خلیج فارس و در رأس آن عضو پرنفوذ و مؤثرش، عربستان سعودی و نیز کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۹۸۷ م به دست مأموران حکومت عربستان سعودی در کنار برخی حوادث ریز و درشت دیگر منجر به آن شد که مواجهه این دو کشور در دهه ۱۹۸۰ قالبی خصمانه به خود بگیرد. علیرغم بهبود نسبی و البته کم دوام روابط دو کشور در برخی برهه‌های پس از پایان جنگ ایران و عراق، همواره شاهد بوده‌ایم که این تقابل‌ها استمرار داشته و در بهترین حالت ممکن، از وضع مناقشه‌ای خصمانه به وضع رقابت منطقه‌ای تقلیل یافته است (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۱) عربستان سعودی، ایران را اصلی‌ترین رقیب خود در رهبری جهان اسلام می‌داند و از این هراس دارد که توافق هسته‌ای صورت گرفته بین ایران و قدرت‌های جهانی باعث شود که ایالات متحده آمریکا، ایران را به‌عنوان متحد خود در خلیج فارس جایگزین سعودی‌ها نماید. مشارکت وسیع عربستان سعودی در اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، تضاد منافع و رویارویی با کشورهای متحد ایران از جمله سوریه و یمن، تلاش برای بهره‌برداری از اختلافات قومی و مذهبی در داخل ایران به‌ویژه در مناطق کردنشین و سنی‌نشین، و ایجاد اتحاد و همگرایی در میان کشورهای حوزه خلیج فارس با هدف مقابله با نفوذ و قدرت ایران در منطقه، از جمله استراتژی‌های دستگاه سیاست خارجی ریاض در راستای مقابله با ایران است. نگرش عربستان سعودی به تحولات عراق نیز از دریچه توازن قوای منطقه‌ای در مقابل ایران است. قدرت‌یابی شیعیان در عراق و افزایش نفوذ ایران در این کشور، عربستان سعودی را به اتخاذ موضع منفی و مقابله با قدرت ایران در عراق واداشته است. (Maitra, 2015: 38)

در مورد خصومت و دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران نیز باید اذعان نمود که مهم‌ترین دغدغه رژیم صهیونیستی در خصوص ایران، توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی است و حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های مبارز ضد رژیم صهیونیستی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در واقع برنامه هسته‌ای ایران،

تهدیدی وجودی برای رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌آید. این در حالی است که دغدغه‌های عربستان سعودی در رابطه با ایران، بسیار عمیقتر و پیچیده‌تر است و شامل ترس از نفوذ ایران در کشورهای عرب (بویژه در عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین) و تلاش ایران برای گسترش اسلام شیعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ می‌باشد. قدرت و نفوذ ایران در کشورهای عرب را می‌توان در حمایت ایران از حزب‌الله لبنان، گسترش نفوذ و قدرت در عراق پس از روی کار آمدن دولت شیعه در این کشور، دور کردن حماس از عربستان سعودی و وارد کردن آن در چتر حمایتی ایران، حمایت از حکومت اسد در سوریه و در جوامع شیعی کشورهای حوزه خلیج فارس دانست که همگی به تغییر موازنه قدرت در منطقه و افزایش هراس عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی منجر شده‌اند. (میر رضوی، ۱۳۹۲: ۴ - ۳) سعودی‌ها رویه ایران را به‌عنوان یک عامل عدم اطمینان و برهم زنده وضع موجود در منطقه و فراهم آوردن تهدیداتی علیه خود تلقی نمودند. (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۲: ۶۳)

از سوی دیگر، قدرت و توان هسته‌ای ایران، با هر نیت و هدفی، در زمان کنونی هزینه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی را بالا برده است. همسایگان ایران در راستای فعالیت‌های هسته‌ای این کشور، دو راه پیش‌رو دارند: یا اینکه واقعیت‌های موجود ایران را بپذیرند و به نوعی با آن کنار بیایند و یا اینکه با این وضعیت به مقابله برخاسته و ضمن تقابل با ایران به دنبال گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه باشند. در هر دو صورت، امنیت رژیم صهیونیستی به‌شدت مورد تهدید قرار خواهد گرفت؛ چراکه با شروع مسابقه تسلیحاتی در منطقه، یهودیان مهاجرت معکوس را آغاز می‌نمایند و ایده ارض موعود و بنیان‌های امنیتی موجودیت رژیم صهیونیستی در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

۲. حزب‌الله

در دهه‌های اخیر، دو رویداد مهم نقشی اساسی در حضور عمیق ایران در لبنان داشته‌اند: یکی حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ و تأسیس حزب‌الله و دیگری ترور رفیق حریری و خروج سوریه از لبنان که موجب ایفای نقش بیشتر ایران در لبنان گردید. اهمیت لبنان برای ایران و عربستان سعودی ناشی از حضور نیروها و گروه‌های شیعه و سنی از یکسو و نقش لبنان در منازعه تاریخی و روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی است. در واقع، ارتقای نقش و جایگاه سیاسی شیعیان و نیز افزایش قدرت و اقتدار حزب‌الله در این کشور ارتباط مستقیمی با نفوذ و قدرت ایران در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس دارد. علاوه بر تحولات عراق، در صحنه لبنان، افزایش نقش منطقه‌ای ایران از طریق عنصر شیعی در دو مرحله صورت گرفته است، اول با پیروزی حزب‌الله بر رژیم صهیونیستی در جنگ تابستان ۲۰۰۶ و دوم افزایش نقش ایران با پیروزی حزب‌الله در دور جدید رقابت‌های داخلی لبنان در بهار ۲۰۰۸. بر این اساس اعراب با محوریت عربستان سعودی، اردن و مصر با ابراز نگرانی از موقعیت شیعیان و پیوند ایران با مسائل عراق، سوریه و لبنان به طرح مسئله هلال

تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی □ ۱۳۵

شیعی پرداختند، تا نوعی همگونی را در جهان عرب و سنی علیه ایران سامان دهی نماید. (ساعی، ۱۳۹۱: ۱۲۰ - ۱۱۹) عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی همواره منافع مشترکی در تضعیف گفتمان مقاومت و گروه‌ها و کشورهای حامی آن در منطقه داشته‌اند. لذا هر دو کشور، حزب‌الله را به‌عنوان دشمن خود تلقی کرده و در تقابل با آن، که آشکارا مورد حمایت ایران قرار دارد، منافع مشترکی را احساس می‌کنند. وجود این دشمن مشترک نیز در نزدیکی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و گسترش همکاری‌های امنیتی و محرمانه دو کشور از اهمیتی اساسی برخوردار است.

۳. حماس

اگرچه حماس به اندازه حزب‌الله لبنان و جهاد اسلامی فلسطین به ایران نزدیک نیست، ولی به قدر کافی دیدگاه‌های حماس نسبت به موضوعاتی مانند: رژیم صهیونیستی، فلسطین و اهمیت و جایگاه آن در جهان اسلام و همچنین اهداف و منافع این گروه در روند صلح، با دیدگاه‌ها، اهداف و منافع ایران در موضوعات ذکر شده نزدیک است و از سوی دیگر، حماس نیز تقریباً در سطح حزب‌الله لبنان و سازمان جهاد اسلامی فلسطین از حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی و معنوی ایران بهره‌مند شده است. (متقی، ۱۳۹۲: ۱۷۶ - ۱۷۵)

۴. اخوان المسلمین در مصر

حکومت نظامیان در مصر در دوره انور سادات و حسنی مبارک، به خوبی منافع رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی را در منطقه تأمین می‌کرد؛ زیرا آنها نیروهایی تجدیدنظر طلب نبودند و از وضع موجود که منافع بازیگران محافظه‌کار را تأمین می‌کرد، حمایت می‌کردند. با قیام ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مردم مصر و سقوط مبارک و به قدرت رسیدن اسلام‌گراها در این کشور، بیش از همه منافع متحدین رژیم سابق مصر، یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، به خطر افتاد. لذا در دوران یک ساله ریاست جمهوری محمد مرسی، رژیم صهیونیستی از سکولارها و لیبرال‌ها و عربستان سعودی از سلفی‌ها در مصر حمایت می‌کردند و هر دو علیه حکومت مرسی دست به کار شدند.^۱

۵. سوریه

در جبهه بحران سوریه، دو کشور ایران و عربستان سعودی دارای تضاد منافع شدیدی هستند. بحران سوریه برای عربستان سعودی حداقل به صورت مستقیم موضوعی امنیتی تلقی نمی‌گردد و اقدام رهبران سعودی در حمایت از معارضان سوری در جهت کاهش نفوذ ایران در منطقه و اعمال نقشی فعال به‌عنوان رهبر جهان اسلام و افزایش نفوذ آن در منطقه است. به عبارت دیگر، عربستان سعودی از موضوع بحران سوریه به‌عنوان

۱. گروه بین‌الملل برهان / محمدرضا مرادی، بررسی منافع مشترک عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در منطقه؛ دلایل همگرایی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی؛ استراتژیک یا تاکتیکی؟

فرصتی در جهت تقویت و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود و تقلیل نفوذ ایران بهره می‌برد. این در حالی است که بحران سوریه برای ایران یک مسئله مهم امنیتی و استراتژیکی به حساب می‌آید. در واقع عربستان سعودی به‌طور مشخص سوریه را از دریچه رقابت‌های منطقه‌ای با ایران و مهار الگوی نفوذ معنوی ایران نگاه می‌کند و برای مهار الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب، که زمانی در قالب هلال شیعی مطرح شده بود، تلاش می‌کند. عربستان سعودی نزدیکی کشورهای عربی و به خصوص سوریه به ایران را به منزله بر هم خوردن تعادل منطقه‌ای و به حاشیه رفتن سیاست‌های سعودی می‌داند. (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۲۶ - ۱۲۵) همچنین سوریه نقش مهمی برای ایران در ارتباط با جهان سنی داشته است. هر دو کشور علیه محور سلفی‌گری به رهبری عربستان سعودی قرار دارند و در برابر عربستان سعودی، مصر، قطر و حامیان گروه‌های افراطی سلفی جبهه واحدی را تشکیل داده‌اند. در واقع حضور شیعیان عراق در قدرت، اهمیت سوریه را برای ایران کاهش نداده و در عمل به گسترش همکاری‌های امنیتی این سه کشور در تقابل با محور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی منجر شده است. (Ertugal, 2012: 4)

۶. یمن

درگیری‌های مسلحانه ارتش علی عبدالله صالح، رئیس جمهور سابق یمن با جنبش شیعی مذهب (الحوثی) در جنوب شبه جزیره عربستان سعودی موجب شد که حکومت ریاض نیروهای نظامی خود را برای کمک به ارتش یمن به این کشور گسیل کرده و دست به بمباران هوایی مواضع و دهکده‌های حوثیان زند. رژیم صالح و مقام‌های ریاض، جمهوری اسلامی را به پشتیبانی از چریک‌های شیعه حوثی متهم کردند. عربستان سعودی هم در یمن و هم در بحرین به شدت منافع خود را در مواجهه با نفوذ ایران در خطر می‌بیند. (ندیمی، ۱۳۹۰: ۷) از این روست که جنگ میان عربستان سعودی و یمن، در واقع جنگ سعودیها با ایران است. هراس مشترک عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی از قدرت‌یابی حوثی‌های شیعه طرف‌دار ایران در یمن و تسلط آنها بر مناطق مهم و استراتژیکی همچون تنگه باب المندب، که روزانه بیش از سه میلیون بشکه نفت از طریق آن به سمت اروپا، آمریکا و آسیا منتقل می‌گردد، باعث نزدیکی و همکاری بیشتر آنها با یکدیگر شده است؛ به گونه‌ای که براساس برخی گزارش‌ها، همکاری‌های نظامی این دو کشور در بمباران تأسیسات زیربنایی یمن به اثبات رسیده است. به قدرت رسیدن شیعیان حوثی در یمن، می‌تواند به‌طور قابل ملاحظه‌ای موازنه قدرت را در منطقه به نفع ایران تغییر دهد.

ب) متحدان و هم‌پیمانان مشترک

وجود هم‌پیمانان و دوستان مشترک نیز، باعث گسترش همسویی و ارتقاء نوعی ائتلاف نانوشته میان ریاض و تل‌آویو شده است. این موضوع که هر دو کشور رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی متحدین استراتژیکی و

هم‌پیمانان اصلی آمریکا و شرکای تجاری اتحادیه اروپا هستند و در مدار دوستی و اتحاد با غرب قرار دارند، از دلایل افزایش همسویی و همکاری مشترک میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بوده است. در واقع، از آنجایی که هر دو کشور از متحدین استراتژیک آمریکا محسوب می‌شوند و هر دو از کمک‌های تسلیحاتی آمریکا بهره می‌برند و همچنین هر دو در آمریکا دارای یک لابی قوی هستند، نوعی اشتراک منافع طبیعی میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی ایجاد شده است. در این میان، علیرغم انتقادهای اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، روابط گسترده تجاری، اقتصادی و سیاسی و امنیتی بین آنها و سعودی‌ها همچنان از قوت برخوردار است.

۱. آمریکا

عربستان سعودی به جهت گستردگی ذخیره ثابت شده، ظرفیت بالای تولید مازاد و قرار گرفتن در جایگاه بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان از نقش کلیدی در عملکرد مطلوب سیستم سرمایه‌داری جهان برخوردار است. به همین دلیل آمریکا وظیفه حیاتی برای خود ترسیم کرده است که امنیت این کشور را تضمین کند. اصل بنیادی و متمایز شکل‌دهنده روابط دو کشور آمریکا و عربستان سعودی همانا «نفت در برابر امنیت» بوده است. منابع نفت عربستان سعودی که ۲۵ درصد نفت روز ثابت شده دنیا را در بردارند و این واقعیت که از هر پنج بشکه نفت که در دنیا استفاده می‌شود، یکی تولید این کشور است؛ آمریکا را کاملاً غیر حساس به واقعیت دموکراسی‌ستیزی عربستان سعودی کرده است. این واقعیت یعنی ارتباط نفتی قدرت مانور فراوانی برای عربستان سعودی در معادلات منطقه‌ای و شکل دادن به روندها در جهت مورد نظر این کشور فراهم کرده است. (دهشبار، ۱۳۹۲: ۸۰ - ۷۴) این در حالی است که آمریکا و عربستان سعودی درخصوص بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بویژه موضوعات مربوط به لبنان و فلسطین دارای دیدگاه‌های نسبتاً مشابهی هستند. هر دو کشور خواستار افزایش قدرت گروه‌های میانه‌رو و مصالحه‌جو چون فتح در فلسطین و ائتلاف ۱۴ مارس در لبنان و کاهش نقش و نفوذ گروه‌های مقاومت اسلامی از جمله حزب‌الله و حماس و دولت‌های طرفدار آنها به‌ویژه ایران و سوریه هستند.

آمریکا و عربستان سعودی در راستای تحکیم ائتلافی متشکل از دولت‌های میانه‌رو عربی و گروه‌های میانه‌روی چون الفتح، در مقابل محور دیگر غرب آسیا متشکل از ایران، سوریه، حماس و حزب‌الله با یکدیگر همکاری می‌کنند و بازدارندگی در مقابل قدرت و نفوذ ایران و کاهش نقش گروه‌های اسلامی طرفدار ایران را به‌عنوان اهدافی مشترک مدنظر دارند. در زمینه تبیین روابط استراتژیک آمریکا با رژیم صهیونیستی نیز چندان نیازی با استدلال نیست. رژیم صهیونیستی از بدو تشکیل خود همواره از کمک‌ها و حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا برخوردار بوده و حمایت از رژیم صهیونیستی جزء ثابت سیاست خارجی آمریکا و تمامی رؤسای جمهور این کشور محسوب می‌شده است. بدین ترتیب وجود آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی و

یک هم‌پیمان استراتژیک مشترک برای عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، می‌تواند در نزدیکی و اتحاد این دو کشور با یکدیگر، عنصری اساسی و محوری تلقی گردد.

با این حال نگرانی‌های جدی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، به‌عنوان نزدیکترین متحدین و شرکای آمریکا در منطقه غرب آسیا، از توافق هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ایران، می‌تواند پیامدهای مهمی برای منافع آمریکا در منطقه و نیز ثبات غرب آسیا دربرداشته باشد. بعد از این توافق هسته‌ای این احتمال وجود دارد که دو کشور مذکور سیاست‌های پرمخاطره‌تر و تهاجمی‌تری را نسبت به ایران، بدون هماهنگی با ایالات متحده در پیش بگیرند. عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ابراز نگرانی کرده‌اند که تمرکز آمریکا بر دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران، موجب غفلت این کشور از نفوذ بدون کنترل ایران در سراسر غرب آسیا شده است. از دید آنها جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران به‌طور جدایی‌ناپذیری با حمایت تهاجمی ایران از هم‌پیمانانش در ارتباط است. آنها عنوان می‌کنند که آمریکا اقدامات بسیار اندکی را جهت مقابله با افزایش قدرت ایران و هم‌پیمانانش در منطقه انجام می‌دهد. (Prepared Statement of Ilan Goldenberg, 2015:6) رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به‌عنوان دو بازیگر منطقه‌ای مخالف ایران، با حداکثر توان خود در پی تحت تأثیر قرار دادن موفقیت و دوام توافق امضا شده هستند. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و دیگر کشورهای همسایه در منطقه نگرانی‌هایی در مورد ایران دارند که فراتر از موضوع هسته‌ای است. به‌عنوان مثال، رژیم صهیونیستی از جانب توسعه موشکی ایران نیز شدیداً احساس تهدید می‌کند. این در حالی است که عربستان سعودی نیز علاوه بر نگرانی از جانب توان هسته‌ای ایران، ایران را به‌عنوان یک رقیب ایدئولوژیک و استراتژیک هم تلقی می‌کند. این وضعیت خط‌مشی‌های سیاسی را برای آمریکا، از آنجایی که در پی دادن اطمینان خاطر به شرکای منطقه‌ای حال حاضر خود، در مورد نگرانی آنها در کاهش نقش ایالات متحده در نفوذ و ایجاد یک محیط مساعد برای ثبات منطقه‌ای است، دشوار خواهد کرد. (Dassa Kaye, Dalia and Martini, Jeffrey 2014: 2)

۲. اتحادیه اروپا

در حال حاضر، روابط اتحادیه اروپا با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی) در چهارچوب موافقت‌نامه همکاری که در سال ۱۹۸۹ میان جامعه اروپایی (EC) و GCC به امضاء رسید، به صورتی عمیق و جدی در جریان می‌باشد. هدف از این توافقنامه، کمک به تقویت ثبات در منطقه استراتژیک خلیج فارس و تسهیل روابط سیاسی و اقتصادی میان طرفین بوده است.

نیاز روزافزون اتحادیه اروپا به واردات نفت و گاز، سبب شده است تا این اتحادیه علیرغم انتقادهای شدید خود از وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، در تلاش برای حفظ و گسترش روابط خود با ریاض برآید.

از سوی دیگر با اینکه اروپا و رژیم صهیونیستی از شرکای درجه اول اقتصادی یکدیگر هستند، اما اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده تا برخلاف ایالات متحده، به صورتی آشکار و علنی حامی بدون قید و شرط رژیم رژیم صهیونیستی در جهان به‌شمار نیاید. کشورهای عضو اتحادیه اروپا عملاً به دلایل متعددی چون پیوند منافع تجاری و سیاسی، تقارب فرهنگی، تأثیرپذیری از لابی‌های صهیونیستی در دنیای غرب، و همراهی با سیاست‌های آمریکا، از امنیت رژیم رژیم صهیونیستی در برابر هر تهدیدی دفاع می‌کنند.

۳. ترکیه

ترکیه از اولین کشورهایی بود که پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، دولت یهودی را در سال ۱۹۴۹، به رسمیت شناخت. روابط طرفین در طول دهه ۵۰ تا ۹۰ میلادی متأثر از فضای جنگ‌های ادواری اعراب و رژیم صهیونیستی و فضای ملتهب جهان دو قطبی بود. رژیم صهیونیستی و ترکیه روابط خود را از اوایل دهه ۹۰ میلادی گسترش دادند و ترکیه اینک به یکی از نزدیک‌ترین کشورها در حوزه پیرامونی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. ترکیه و رژیم صهیونیستی از لحاظ فرهنگ، نژاد، زبان، قومیت و شاخص‌های اقتصادی و دموکراسی با محیط پیرامون خود متفاوت هستند. روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی ترکیه و رژیم صهیونیستی، طی ۱۵ سال گذشته، در عرصه‌های مختلف رو به رشد بوده است. رژیم صهیونیستی تأمین‌کننده اصلی تسلیحات و فناوری‌های پیشرفته نظامی ترکیه می‌باشد و مبادلات تجاری طرفین از رقم ۵۴ میلیون دلار در ۱۹۸۷، به بیش از ۲ میلیارد دلار طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. (دهقانی، ۱۳۸۶: ۶)

عوامل متعددی موجب اتحاد و همگرایی دو کشور رژیم صهیونیستی و ترکیه شده است که برخی از آنها عبارتند از: نیاز ترکیه به لابی یهودی در راستای نزدیکی به آمریکا و رفع موانع الحاق به اتحادیه اروپا؛ به عبارتی ترکیه به رژیم صهیونیستی به‌عنوان دریچه‌ای به سوی جهان غرب و ایالات متحده می‌نگرد، نیاز اطلاعاتی به رژیم صهیونیستی در مقابله با گروه‌های کرد تجزیه‌طلب، نیاز رژیم صهیونیستی به ترکیه به‌عنوان یک دوست و متحد منطقه‌ای و تضعیف و فروپاشی جبهه عربی ضد رژیم صهیونیستی، به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی توسط تعدادی از کشورهای منطقه و تقویت محور تل‌آویو - آنکارا - باکو در برابر محور تهران - ایروان - مسکو. همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که رژیم صهیونیستی تلاش دارد در طولانی مدت از طریق گسترش روابط خود با ترکیه، تابوی برقراری روابط کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی را شکسته و عملاً مدل اسلام ترکیه‌ای را جایگزین اسلام انقلابی که ایران پایه‌گذار آن است، نماید.

همچنین باید دانست که عربستان سعودی و ترکیه در موضوع بحران سوریه، در یک جبهه قرار دارند و از مخالفینی حمایت می‌کنند که با دولت بشار اسد، که تحت حمایت ایران است، در جنگ هستند. در واقع هر دو کشور خواستار برکناری بشار اسد از قدرت هستند و منافع خود را در سرنگونی حکومت فعلی سوریه می‌بینند.

از این روست که ریاض و آنکارا به صورتی گسترده به مخالفان بشار اسد کمک‌های نظامی و تسلیحاتی ارائه می‌دهند. در حوادث سوریه باید گفت که عربستان سعودی در کنار ترکیه از عوامل اصلی تداوم و تشدید منازعه محسوب می‌شوند. کنشگری عربستان سعودی از آن روی پررنگ‌تر و قاطع‌تر شده که حمایت‌های آمریکا را نیز در کنار دارد. نیاز آمریکا به ثبات عرضه نفت و ثبات قیمت نفت، الزامات واضح استراتژیک را حیات داده‌اند تا آمریکا نیز حامی سیاست‌های این کشور شود. (دهشیر، ۱۳۹۲: ۹۷)

نوع روابط و همکاری‌های عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی

علاوه بر تحلیل عوامل و دلایل نزدیکی و ائتلاف دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، باید به زمینه‌های همکاری این دو کشور با یکدیگر نیز اشاره نمود. رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، در برخی حوزه‌ها و زمینه‌ها دارای روابط غیررسمی، مخفیانه و مقطعی با همدیگر بوده‌اند. روابط محرمانه بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی از سال‌های دور وجود داشته است و اگرچه دو کشور در پایتخت‌های یکدیگر دارای سفارت‌خانه و نهادهای رسمی دیپلماتیک نیستند، اما عدم وجود روابط رسمی دیپلماتیک نباید به معنای فقدان ارتباطات غیررسمی و کانال‌های متعدد ارتباطی بین دو کشور تلقی گردد. برای مثال طی سال‌های اخیر، بسیاری از شرکت‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در مسائل امنیتی مشورت‌هایی را ارائه می‌دهند؛ حتی این شرکت‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در حال آموزش نیروهای ویژه این کشورها هستند و سیستم‌های بسیار پیشرفته امنیتی را در اختیار آنها قرار داده‌اند. این امر سوای دیدارهای سری و مستمر با مقامات عالی‌رتبه در این کشورها است.

همچنین علاوه بر روابط سیاسی و دیپلماتیک غیر رسمی بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، باید به وجود روابط تجاری و اقتصادی به‌ویژه در بخش انرژی بین دو کشور نیز اشاره نمود که در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. در ادامه تلاش عربستان سعودی برای ضربه زدن به ایران، این کشور تلاش داشته است تا از طریق عرضه زیاد نفت و به تبع آن کاهش قیمت این کالا در بازار جهانی، اقتصاد ایران را مورد هدف قرار دهد. باید اذعان کرد که برتری عربستان سعودی در زمینه تولید و ذخیره نفت، به آن فرصت تسلط در عرصه تولید کلی نفت اوپک و همچنین حاکمیت در زمینه تعیین میانگین قیمت جهانی نفت را داده است. عربستان سعودی از این دو شاخص مهم در راستای پیشبرد منافع خود و علیه کشورهای چپ ایران استفاده می‌کند، که طبیعتاً این رویکرد و سیاست مورد حمایت شدید رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

امکان‌سنجی تعمیق و گسترش روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی

پیوندهای عمیق و گسترده نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی که رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی با دنیای غرب - به‌ویژه با آمریکا - دارند، نیاز متقابل برای اعمال نفوذ بر دولت‌های منطقه غرب آسیا و

نگرانی‌های امنیتی آنها از بی‌ثباتی‌ها و احتمال گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه از جمله عواملی هستند که هر دو کشور را در چند دهه اخیر به یکدیگر نزدیک کرده است. (امامزاده فرد، ۱۳۹۰: ۱) درخصوص سنجش امکان تعمیق و گسترش روابط دو کشور عربستان و رژیم صهیونیستی با توجه به نکات گفته شده تاکنون چندین شاخص مطرح است که در ذیل اشاره‌ای کوتاه به آنها خواهد شد:

تقابل با ایران و سد نفوذ آن

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد؛ مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های دو کشور عربستان و رژیم صهیونیستی درخصوص ایران شامل ترس از پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران، ترس از افزایش نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا و کشورهای عربی، تلاش ایران برای گسترش اسلام شیعی و صدور گفتمان انقلاب اسلامی و نیز حمایت ایران از گروه‌های مخالف دو کشور مانند حزب‌الله و سوریه است. در این راستا است که عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی برقراری روابط با یکدیگر را جزو منافع متقابل دو طرف می‌دانند و منفعت مرکزی این دو، دشمنی با ایران است به این معنی که هر دو از ایران و برنامه هسته‌ای پیشرفته آن و نیز توسعه نفوذ این کشور در غرب آسیا بیم دارد.

به عبارت دیگر توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ به فرصت بی‌سابقه‌ای برای شکل‌گیری ائتلافی میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی، به‌منظور مقابله با توانمندی‌های احتمالی هسته‌ای ایران در آینده تبدیل شده است. همچنین گسترش نفوذ ایران در سوریه، لبنان، عراق و یمن باعث هراس رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و نزدیکی هرچه بیشتر آنها به یکدیگر شده است. در این میان باید توجه نمود که اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمنانه هر دو کشور علیه هم، صرفاً جنبه تبلیغاتی و مصرف داخلی دارد. درحالی‌این روابط، بخاطر ترس از فشار افکار عمومی جهان عرب و مسلمان، همچنان مخفیانه و محرمانه ادامه خواهند داشت. این روابط تنها در صورتی که رژیم صهیونیستی با بقیه کشورهای جهان عرب پیمان‌های صلح ببندد، آشکار خواهند شد. برای رژیم صهیونیستی، رابطه با عربستان سعودی به‌عنوان «رهبر جهان عرب» از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است و می‌تواند در ایجاد موازنه تهدید در برابر ایران بسیار مؤثر واقع شود. (Teitelbaum, 2013: 4)

متحد بودن هر دو کشور با آمریکا

دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی دارای پیوندهای عمیق و گسترده نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی با دنیای غرب و به‌ویژه آمریکا هستند، که به‌عنوان عاملی مشترک در تعمیق روابط دو کشور مطرح است. ریاض و تل‌آویو از دیرباز به‌عنوان متحدین قوی و ثابت آمریکا در منطقه شناخته می‌شوند، که در پیگیری و پیشبرد منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا دارای نقش بسیار حیاتی می‌باشند. از طرف دیگر این دو

کشور نیز از هم‌پیمانی خود با آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی، در راستای تأمین امنیت و منافع ملی خود نهایت استفاده را خواهند داشت. لذا با توجه به این موارد می‌توان گفت قرار گرفتن این دو کشور در اردوگاه متحدین آمریکا، همچنان به‌عنوان عاملی اساسی در هم‌سویی دیدگاه‌ها و اشتراک منافع آنها در منطقه و نیز تعدیل اختلافات آنها عمل خواهد کرد. علاوه بر دو مورد بالا همچنان که در طول بحث گفته شد، داشتن دوستان و دشمنان مشترک دیگر باعث تعمیق و گسترش روابط متقابل این دو قدرت منطقه‌ای شده است. لذا با توجه به فاکتورهای ذکر شده، انتظار بهبود و تعمیق روابط دو طرف در آینده دور از ذهن نیست. به عبارت دیگر علی‌رغم اختلافات ارزشی فاحش بین این دو کشور، و به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی از سوی عربستان با توجه به بحران فلسطین، دو کشور ناخواسته در اردوگاه مشترکی قرار گرفته‌اند و چشم‌انداز تعمیق روابط این دو کشور دارای نشانه‌های مثبتی هست.

نتیجه

در عرصه سیاست جهانی و در حوزه روابط بین‌الملل همواره این اعتقاد در بین کشورها وجود داشته است که دشمن دشمن من، دوست من است و دشمنان قدیمی با وجود دشمن مشترک می‌توانند به یکدیگر نزدیک شده و باب دوستی و اتحاد با یکدیگر را بگشایند. بنا به چارچوب نظری توازن تهدید استفان و الوت امروزه بیش از هر زمان دیگری، تصور از ایران به‌عنوان دشمن مشترک از سوی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، باعث نزدیکی و همکاری این دو کشور با یکدیگر شده است. حتی می‌توان ادعا نمود که حکومت‌های عربی دیگری همچون مصر و اردن و کشورهای حاشیه خلیج فارس در نگرانی‌ها و احساس تهدید خود نسبت به ایران با رژیم صهیونیستی شریک هستند. این موضوع باعث می‌شود تا رژیم صهیونیستی در ابعادی واقع‌گرایانه علی‌رغم تضادهای شدید با این کشورها، وارد یک اردوگاه اتحاد مشترک علیه ایران شود. رژیم صهیونیستی با حزب‌الله طرف‌دار ایران می‌جنگد و عربستان سعودی در یمن با حوثی‌های طرف‌دار ایران مبارزه می‌کند.

سیاست رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، فرسایش قدرت ایران است. آنها تلاش می‌کنند تا با بحران‌سازی، ایران را در حوزه‌های جغرافیایی مختلف درگیر کنند؛ شبیه سیاستی که شوروی‌ها برای آمریکا در ویتنام طراحی کردند و مشابه آن را آمریکایی‌ها برای شوروی‌ها در افغانستان ایجاد کردند. امروزه، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با هماهنگی با سیاست‌های آمریکا به دنبال گسترش حوزه‌هایی هستند که به‌شدت ایران و متحدان آنرا درگیر کنند. محور اصلی آنها نیز ایجاد و گسترش جنگ‌های نیابتی از نوع فراگیر است که در تمام منطقه غرب آسیا به اشکال مختلفی گسترش یافته است. به هر میزان که این منازعات گسترش بیشتری پیدا کنند، هزینه‌های اقتصادی و اعتباری ایران بیشتر خواهد شد. هدف آنها این است که اعتبار و قدرت ایران در مقیاس منطقه‌ای را به همان صورتی که مرحله‌ای افزایش پیدا کرده، به

صورتی مرحله‌ای نیز دچار فرسایش کند. نتیجه چنین فرسایشی، پیروزی بدون جنگ بر ایران خواهد بود؛ بدین معنی که بدون اینکه آمریکا یا رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی با ایران درگیری مستقیم داشته باشند، در وضعیت پیروزی قرار می‌گیرند.^۱ البته ضرورت موازنه تهدید در قبال ایران، هم رژیم صهیونیستی و هم عربستان سعودی را وخواهد داشت تا در صورت هرگونه حمله نظامی به ایران توسط یکی از این دو کشور، کشور دیگر قطعاً درگیر جنگ با ایران در کنار متحد خود شود و یا کمک‌های اساسی در تسهیل این نبرد علیه ایران را در اختیار دیگری قرار دهد.

از یک‌سو عربستان سعودی تلاش دارد تا با استفاده از اعتبار دیپلماسی، تقویت گروه‌های افراطی ضد شیعی و دلارهای نفتی به تضعیف متحدان دولتی و غیردولتی ایران در منطقه بپردازد؛ (ساعی، ۱۳۹۱: ۱۲۵) از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی نیز با احساس تهدیدی قدرتمند از جانب ایران و در راستای ایجاد موازنه تهدید، منافع خود را در نزدیکی هرچه بیشتر با عربستان سعودی می‌بیند؛ کشوری که هیچگاه نه در گفتار و نه در عمل تهدیدی جدی علیه رژیم صهیونیستی مطرح نساخته و بلکه این پتانسیل را دارا می‌باشد تا ضمن برقراری یک ائتلاف با رژیم صهیونیستی، هم محوری قدرتمند را در برابر ایران ایجاد کند و هم به‌عنوان مرکز دنیای عرب مسلمان، به تدریج پیش‌تاز از بین بردن قبح برقراری روابط با رژیم صهیونیستی شود. به همین لحاظ است که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا ایران، یعنی دشمن اصلی خود را به‌عنوان تهدیدی اساسی برای کشورهای عرب سنی و به خصوص برای عربستان سعودی جلوه دهد و در عین متحد ساختن این کشورها علیه ایران، موضوع فلسطین و اشغال این سرزمین را از کانون توجه آنها خارج سازد.

منابع و مأخذ

۱. اسدی، علی‌اکبر، ۱۳۷۹، «بیداری اسلامی در جهان عرب و امنیت رژیم صهیونیستی»، فصلنامه

مطالعات فلسطین وابسته به مؤسسه تحقیقاتی و پژوهش علمی ندا، شماره ۱۴ - ۱۳.

۲. بوزان، باری، ۱۳۸۸، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳. خضری، احسان و دیگران، «ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان سعودی: مطالعه موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۹۷ - ۱۶۹.

۱. ائتلاف تاکتیکی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی؛ چرایی و پیامدها ۱، نویسنده ابراهیم متقی، تنظیم علیرضا نادری.
<http://nedains.com/fa/news/311727>.

- ۱۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۳، زمستان ۹۵، ش ۴۷
۴. دهشیار، حسین، «خاورمیانه: نقش آفرینی فزون تر عربستان سعودی و ترکیه»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، ویژه‌نامه عدم تعهد، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۱۰ - ۶۱.
۵. دهقانی، محمود، ۱۳۸۶، *بحران سیاسی در رژیم صهیونیستی، معاونت سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک*، شماره ۲۰۱، ص ۶.
۶. زنگنه، حمید، ۱۳۹۱، *وضعیت روابط ج ۱. ایران و اتحادیه اروپا و چشم‌انداز پیش‌رو*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهشی.
۷. سادات عظیمی، رقیه، ۱۳۷۵، *عربستان سعودی سعودی: مجموعه مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. ساعی، احمد، ۱۳۹۱، «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲ - ۱۳۸۴»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی سال نهم*، شماره ۲۲، ص ۱۲۹ - ۱۰۳.
۹. سالاری، مریم، (۱۹۲)، *امکان‌سنجی هم‌سویی ایران و عربستان سعودی در کانون بحران‌های منطقه‌ای*، پژوهش‌کنده مطالعات روابط بین‌الملل.
۱۰. کوهکن، علیرضا و سعید تجری، ۱۳۹۳، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی سعودی»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۳.
۱۱. لیتل، ریچارد، ۱۳۸۹، *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۲. متقی، ابراهیم، ۱۳۹۲، «رویکرد مقایسه‌ای ایران و مصر در قبال گروه‌های جهادی فلسطین (۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲ میلادی)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۲.
۱۳. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۹، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۴. منتظری، آرمین، «پشت پرده سفرهای خالد مشعل به عربستان سعودی»، *روزنامه شهروند*، سال سوم، شماره ۶۲۲، مرداد ۱۳۹۴.
۱۵. میررضوی، فیروزه، ۱۳۹۲، *دشمنان دوست‌نمای خاورمیانه*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهشی.

- تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی □ ۱۴۵
۱۶. نجات، سید علی، ۱۳۹۳، «راهبرهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۶۵۵ - ۶۳۱.
۱۷. ندیمی، رامین، ۱۳۹۲، سایت مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
۱۸. نیاکوئی، سید امیر و علی اصغر ستوده، ۱۳۹۴، «ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۷، ص ۹۵ - ۱۱۰.
۱۹. یزدانی، عنایت‌الله و احسان شیخون، ۱۳۹۲، «بررسی الگوهای رفتاری عربستان سعودی نسبت به نقش‌یابی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس (با تأکید بر تئوری سیرنیتیک)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۲.
۲۰. یعقوبی فر، حامد، «گونه‌شناسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، ص ۹۸۷ - ۹۶۵.
21. Abu-amer, Ziad (1993), "The Islamic World and The Palestine Authority", Journal of Palestine Studies: vol 22, No 4, p.5.
22. Dassa Kaye, Dalia and Martini, Jeffrey (2014), The Days After A Deal with IRAN: Regional Responses to a Final Nuclear Agreement, 2014 RAND Corporation.
23. Dekel, Udi, and Guzansky, Yoel (2013), Israel and Saudi Arabia: Is the Enemy of My Enemy My Friend?, INSS Insight No. 500, December 22, 2013.
24. Ertugrul, Dogan (2012), "A Test for Turkey's Foreign Policy: The Syria Crisis", Turkish Economic and Social Studies Foundation (TESEV), at: http://www.tesev.org.tr/Upload/Publication/fb7a88bd-36be-4ae8-b5c10efe22a3a9b6/Dogan%20Ertugrul_ENG.pdf. www.tisri.org
25. Halliday, Fred (2002), Arabia without Sultans, Saqi books.
26. Han, de jarryd (2015), Turkey-Saudi Relations in the Middle East, Published by Future Directions International Pty Ltd, pp 1-6.
27. Jervis, Robert (2008), Cooperation under the Security Dilemma, in: Richard K. Betts, Conflict after the Cold War, Argument on Causes of War and Peace, New York: Columbia University, third edition.
28. Maitra, Ramtanu (2013), The Saudi-Israel Pact vs. The Palestinians and Iran, EIR Counterintelligence, November 1, 2013.

